

# سبحانک اللهم یا اهلئ تشهد و تری کیف ابتلیت بین عبادک ...

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



رقم (15) - من آثار حضرت بهاء الله - کتاب اقتدارات - صفحه 213  
- 218

( 15 )

## بسم الذی بذکره یحی قلوب الملاً الاعلی

سبحانک اللهم یا اهلئ تشهد و تری کیف ابتلیت بین عبادک بعد اذ ما اردت الا الخضوع لدی باب رحمتک الذی فتحته علی من فی ارضک و سمآئک و ما امرتهم الا بما امرتنی و ما دعوتهم الا بما بعثتنی به و عزتک ما اردت بآن استعلی علی احد بشأن من الشئون و ما اردت ان افتخر علیهم بما اعطیتنی بجدک و افضالک لانی لا اجد یا اهلئ لنفسی ظهوراً تلقآء ظهورک و لا امراً الا بعد اذنک و ارادتک بل فی کل حین نطق فؤادی یا لیت کنت تراباً تقع علیه وجوه المخلصین من احبآئک و المقربین من اصفیآئک لو یتوجه ذو اذن الی ارکانی لیسمع من ظاهری و باطنی و قلبی و لسانی و عروقی و جوارحی یا لیت یظهر منی ما تفرح به قلوب الذین ذاقوا حلاوة ذکر ربی العلی الاعلی و یصعد بندآئی احد الی جبروت امرک و ملکوت عرفانک یا من یدک ملکوت البقاء و ناسوت الانشاء و ان قلت الی الی یا ملاً الانشاء ما اردت بذلک الا امرک الذی به اظهرتنی و بعثتنی لیتوجهن کل الی مقر وحدانیتک و مقعد عز فردانیتک و انت تعلم یا محبوب البهآء و مقصود البهآء انه ما اراد الا حبک و رضاک و یرید ان یظهر قلوب عبادک من اشارات النفس و الهوی و یرسلهم الی مدینه البقاء



ORIGINAL

ليتحدوا في امرک و يجتمعوا على شريعة رضائك و عزتك يا محبوبى لو تعذبني في كل حين ببلاء جديد لاحب عندي من ان يحدث بين احباك ما يكرر به قلوبهم و يتفرق به اجتماعهم لانك ما بعثتني الا لاتحادهم على امرک الذي لا يقوم معه خلق سماءك و ارضك و اعراضهم عما سويك و اقبالهم الى افق كبرياتك و توجههم الى شطر رضائك اذا انزل يا الهى من سحاب عنايتك الخفية ما يطهرهم عن الاحزان و عن الحدودات البشرية ليجدن منهم الملاء الاعلى رواح التقديس و الانقطاع ثم ايدهم يا الهى على التوحيد الذى انت اردته و هو ان لا ينظر احد احدا الا و قد ينظر فيه التجلى الذى تجليت له به لهذا الظهور الذى اخذت عهده في ذر البيان عنم في الاكوان و من كان ناظرا الى هذا المقام الاعز الاعلى و هذا الشأن الاكبر الاسنى لن يستكبر على احد طوبى للذين فازوا بهذا المقام انهم يعاشرون معهم بالروح و الريحان و هذا من التوحيد الذى لم تزل احببته و قدرته للمخلصين من عبادك و المقربين من بريتك اذا اسئلك يا مالک الملوك باسمك الذى منه شرعت شريعة الحب و الوداد بين العباد ان تحدث بين احبائي ما يجعلهم متحدين في كل الشئون لتظهر منهم آيات توحيدك بين بريتك و ظهورات التفريد في مملكتك و انك انت المقتدر على ما تشاء لا اله الا انت المهيمن القيوم

قلم اعلى ميفرمايد: اى دوستان حق مقصود از حمل اين رزاياى متواتره و بلاياى متتابعه آنکه نفوس موقنه بالله با کمال اتحاد با يکديگر سلوک نمايند بشأنیکه اختلاف و اثنييت و غيريت از ما بين محو شود الا در حدودات مخصوصه که در کتب الهيه نازل شده انسان بصير در هيچ امرى از امور نقصى بر او وارد نه آنچه واقع شود دليل است بر عظمت شأن او و پاکی فطرت او مثلا اگر نفسى لله خاضع شود از براى دوستان الهى اين خضوع في الحقيقه بحق راجعست چه که ناظر بايمان اوست بالله در اينصورت اگر نفس مقابل بمثل او حرکت نمايد و يا استکبار از او ظاهر شود شخص بصير بعلم خود و جزای آن رسیده و ميرسد و ضر عمل نفس مقابل بخود او راجعست و همچنين اگر نفسى بر نفسى استکبار نمايد آن استکبار بحق راجعست نعوذ بالله من ذلك يا اولى الابصار قسم باسم اعظم حيف است اين ايام نفسى بشيء و نوات عرضيه ناظر باشد بايستيد بر امر الهى و با يکديگر بکمال محبت سلوک کنيد خالصا لوجه المحبوب حجات نفسانيه را بنار احديه محترق نمائيد و با وجوه ناضره مستبشره با يکديگر معاشرت کنيد کل سجايای حق را بچشم خود دیده ايد که ابداء محبوب نبوده که شبي بگذرد و يکی از احبای الهى از اين غلام آزرده باشد قلب عالم از کلمه الهيه مشتعل است حيف است باين نار مشتعل نشويد انشاء الله اميدواريم که ليله مبارکه را ليله الاتحادية قرار دهيد و کل با يکديگر متحد شويد و بطراز اخلاق حسنه ممدوحه مزین گردید و همتان اين باشد که نفسى را از غرقاب فنا بشريعه بقا هدايت نمائيد و در ميانه عباد بقسمى رفتار کنيد که آثار حق از شما ظاهر شود چه که شمائيد اول وجود و اول عابدين و اول ساجدين و اول طائفين فو الذى انطقنى بما اراد که اسماء شما در ملکوت اعلى مشهورتر است از ذکر شما در نزد شما گان مکنيد اين سخن وهم است يا ليت اتم ترون ما یری ربکم الرحمن من علو شأنکم و عظمة قدرکم و سمو مقامکم نستل الله ان لا تمنعکم انفسکم و اهوائکم عما قدر لکم اميدواريم که در کمال الفت و محبت و دوستی با يکديگر رفتار نمائيد

بشأنیکه از اتحاد شما علم توحید مرتفع شود و رایت شرک منهدم گردد و سبقت بگیریید از یکدیگر در امور حسنه  
و اظهار رضا له الخلق و الامر یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید و انه هو المقتدر العزیز القدیر